

سیری بر کمالات و فضایل

حضرت زهرا علیہا السلام

مؤلف:

محقق علی امیر محمودی

امیر محمودی، محمد علی، ۱۳۲۴ -

سیری بر کمالات و فضایل حضرت زهرا(س) / مولف محمد علی امیر محمودی -
قم: میراث ماندگار، ۱۳۸۵.

۱۵۲ ص.

ISBN 964 - 7884 - 87 - 7

شابک ۷ - ۸۷ - ۷۸۸۴ - ۹۶۴

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - - فضائل. ۲. فاطمه زهرا(س).
۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - - سرگذشتنامه. ۳. فاطمه زهرا(س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ ق.
- - شعر. الف. عنوان.

۲۹۷ / ۹۷۳

BP ۲۷ / ۲ / الف ۸ س ۹

انتشارات میراث ماندگار



شناسنامه کتاب

نام کتاب	سیری بر کمالات و فضایل حضرت زهرا(س)
مؤلف	محمد علی امیر محمودی
ناشر	میراث ماندگار
شمارگان	۳۰۰۰
نوبت چاپ	اول / ۱۳۸۵
چاپ	کوثر
قیمت	۱۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

موسسه انتشارات مشهور / میراث ماندگار

قم: خیابان ارم - پاساژ قدس - طبقه آخر - پلاک ۱۸۴

سندوق پستی ۳۳۹۶ - ۳۷۱۸۵ / تلفن: ۷۷۳۷۴۶۱ - ۷۷۴۶۸۰۶

دفتر مرکزی:

قم: بلوار سمیه / کوچه ۲۴ / پلاک ۴۱۸ / تلفن: ۷۸۳۱۹۴۹ / فاکس ۷۷۳۰۳۹۵

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
دیباچه	۹
سرآغاز	۱۴

فصل اول

شرح، تفسیر و بیان سوره‌ی مبارکه‌ی «الکوثر»

معانی واژگان:	۲۱
صرف واژگان سوره‌ی «الکوثر»	۲۳
نحو واژگان سوره‌ی، الکوثر	۲۴
شرح و تفسیر اجمالی سوره‌ی مبارکه‌ی «کوثر»	۲۵
تفسیر و بیان: در آیه‌ی شریفه‌ی اوّل	۳۱
کوثر: سرچشمه‌ی فیاض	۳۱
کوثر: لطف است	۳۲
کوثر: سرچشمه‌ی پاکی‌ها	۳۲
قرآن ناطق	۳۳
نماز بگزار و قربانی کن	۳۸
اشاره به معنی (کوثر) از مشهورترین تفاسیر	۴۷
معانی و مناسبت‌های (کوثر) بر وزن (قَوْعَل).	۴۸
احتجاج بر این مطلب که «حَسَنین ۸» فرزندان رسول خدایند	۴۸
در فضیلت سوره‌ی (الکوثر)	۵۱
درباره‌ی شأن نزول سوره‌ی (الکوثر)	۵۳
ذکر چند نکته، از خطبه‌ی غدیر خُم و احتجاج حضرت رسول ﷺ با مردم:	۶۰
مهر پدري	۶۵



فصل دوم

شرح حال و زندگی حضرت فاطمه زهرا (ع)

- ۶۹ علّت خلقت
 ۶۹ نام‌های آن حضرت
 ۷۱ القاب آن حضرت
 ۷۱ کنیه‌های آن حضرت
 ۷۲ شرح برخی از نام‌های «فاطمه زهراء (ع)»
 ۷۶ اشاره به تاریخچه تولّد حضرت فاطمه (ع)
 ۹۴ از خطبه فدکیّه
 ۹۵ محاکمه و قضاوت، در خطبه فدکیّه
 ۹۵ طلب نصرت و یاری خواستن آن حضرت از (انصار)، در خطبه فدکیّه
 ۹۶ سخن ابوبکر
 ۹۷ «عقیقه»، یا بیمه سلامتی
 ۹۸ در فضیلت زیارت حضرت فاطمه زهراء (ع)
 ۱۰۱ بیان اجمالی از دواج حضرت «فاطمه زهراء (ع)»
 ۱۰۶ انتظاری شیرین، زیبا و دوست داشتنی
 ۱۱۰ در بیان برخی از فضیلت‌های «اُمّ ابیها»
 ۱۱۲ فاطمه؛ پاره‌ی تن من است
 ۱۱۴ فرزندان حضرت فاطمه (ع)
 ۱۱۵ بیان و شرح مختصر، در باره‌ی فرزندان آن حضرت
 ۱۱۶ چگونگی رحلت زهرا ی اطهر - ملکه‌ی اسلام (ع) -
 ۱۱۹ همسر داغدار
 ۱۲۱ مظلومیت آن حضرت
 ۱۲۲ از کرامات و برکات آن حضرت
 ۱۲۸ وصیت حضرت فاطمه (ع)، به همسر مهربان خود علی (ع)
 ۱۲۹ پردازشی نیکو
 ۱۲۹ پردازشی نیکو



۱۳۰		غسل وداع
۱۳۳		عمل به موردی از وصیت
۱۳۴		حسرت علی علیه السلام
۱۳۷		بیان حدیث شریف «کساء»
۱۳۸		ثواب ذکر این خبر

فصل سوم

واژه‌ی کوثر در ادبیات فارسی

۱۴۳		از دیوان مولانا «محتشم کاشانی»
۱۴۴		از دیوان اشعار «سنایی غزنوی»
۱۴۵		از دیوان لسان الغیب «حافظ شیرازی»
۱۴۶		از اشعار «وحشی بافقی»
۱۴۷		از اشعار «پروین اعتصامی»
۱۴۷		از کلیات شیخ اجل «سعدی شیرازی»
۱۴۸		از اشعار «خاقانی شروانی»
۱۴۸		از دیوان اشعار «فخرالدین عراقی»
۱۵۰		منابع و مآخذ

دیناچه

به نام پشاشنی بسخش زبانها حلاوت بخشش معنی در بیانها^(۱)
 درود بر خداوندی که ستایش، مخصوص اوست. سبحان است و پاک
 از همه‌ی نیازها. نیایش به درگاه بی حد و حصر او؛ هم به مقدر، هم به
 معیار دوست.

کائنات آفرید و آدم بساخت. انسان آفرید تا خلقتش را فراموش کرد
 و عارف بیافرید که جهان، کم از وصله‌ی کفش اوست.
 ما را چراغ دیده، خیال محمد است

خوّم دلی که مست وصال محمد است
 اثنی عشر که بحر کماند هر یکی
 سرچشمه شان، محیط زلال محمد است
 مهدی؛ که از نهال وجود، آخرین بپرست

او نیز میوه‌ای، از نهال محمد است^(۲)
 ستارگان درخشان آسمان امامت، همواره می درخشند و با اشارات
 گوشه‌ی چشم، پیروان را راهبرند. خوشا آنان که از این چشمک زدن‌ها،
 چشمشان باز گردد و از غرش ابرتیرگی‌ها دل شان بلرزد. رهرو، راهبر
 می‌خواهد تا به منزل سعادت و نیکبختی فرود آید.

۱ - وحشی بافقی، از شاعران قرن دهم هجری.

۲ - اهلی شیرازی.

پیامبران؛ رهبران امت خود هستند، اما پس از آنان نیز جهانیان، به جهان آیند و روند. اینان؛ چه کنند؟ وظیفه‌ی رهبری اینان را، امامان به عهده گیرند.

چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی خداوند امر و خداوند نهی
که من شهر علمم، علیم در است درست این سخن، قول پیغمبر است

گواهی دهم کاین سخن را، ز اوست تو گویی دو گوشم، بر آواز اوست (۱)
دوازده مشعلدار بشریت، نور و هدایت و حرارت را از نور خاموش
نشدنی دخت پیامبر اسلام، حضرت فاطمه‌ی زهراء سلام الله علیها
اقتباس کردند. نوری که خاتم انبیا محمد مصطفی (ص) بر افروخت.

خداوندی که مخلوق خود را دوست می‌دارد و به جهت عدم انحراف او،
نور هدایت و روشنی دل را به دست پیامبر خود می‌سپارد. ایشان نیز،
می‌سوزند و نمی‌آسایند تا بلکه مخلوق خدا به سلامت رهد.

قوانین الهی؛ به واسطه‌ی انبیا به مردم ابلاغ می‌گردد. اما پیغمبر، خود
نیز مخلوق خداست. او نیز مانند دیگران، عمرش به پایان می‌رسد. «كُلُّ
مَنْ عَلَيْهَا فَاِنَّ وَ يَتَى وَجْهٌ». لاجرم، تداوم بخش دستورات آن قوانین،
توسط امامان یکی پس از دیگری صورت می‌پذیرد. هم چنین، توضیح
مسائل مربوط به زمان و مکان خاص و شرایط متعلق به آن و حلّ
المسائل پیروان و شیعه‌ی امامیه، همه و همه، در وجود ذی‌جود دوازده
امام جلوه‌گری می‌نماید.

بالأخره، امام در مذهب شیعه؛ امور زندگانی مسلمین را در دست
داشته، سگان هدایت و رهبری را می‌چرخاند. علم امامت، به شخص امام
و در شخصیت او، رهگشای مشکلات مردم است.

امامان شیعه؛ از پدری چون حضرت علی علیه السلام و مادری چون زهرای اطهره به منصّهی ظهور رسیدند. «ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ» در حقیقت، «كُلُّهُمْ نَوْزٌ وَاحِدٌ». همه‌ی آنان، از یک نور هستند.

مشاهده می‌شود که فقط از آن همسر حضرت علی علیه السلام به مقام امامت رسیده‌اند که مادرشان، حضرت صدیقه‌ی زهرا علیها السلام بوده است. دختری که مادر پدرش بود. «أُمُّ آبِهَا».

در تفوّق و برتری فاطمه زهرا علیها السلام، همین بس که، از افضل زنان اهل بهشت نیز، افضل آن‌هاست. زیرا؛ حضرت خدیجه علیها السلام دختر خُوَیلد اسم مُصَغَّر است بر وزن فَعِيل مانند: فَضِيلٌ - حُسَيْنٌ - جَبِيْرٌ و... بنابراین حرف مکسور ما قبل آخر، ظاهراً اشتباه است.

حضرت مریم علیها السلام دختر عمران و حضرت آسیه دختر مزاحم، زن فرعون در زمان و عصر خود، افضل بوده‌اند، در حالی که حضرت فاطمه علیها السلام؛ افضل زنان عالم است. از این نیز بگذریم، سیده‌ی اهل بهشت است.

اگر حضرت خدیجه؛ در چهل سالگی، همسر پیمبر صلی الله علیه و آله گردید و از مصاحبت شوی مهربان لذّت برد، حضرت فاطمه؛ از کودکی در آغوش پدر، آرامش می‌یافت.

اگر زنان دیگر؛ در سنین بالا به کمال رسیدند، فاطمه‌ی زهرا که تمام عمرش به هجده می‌رسید به کمال رسید. از همه‌ی این‌ها درگذریم. اگر پیامبر گرامی؛ در چهل سالگی به پیامبری مبعوث شدند و جبرئیل بر ایشان نازل گشت، حضرت زهرا علیها السلام، تا به هجده سالگی جبرئیل را ملاقات نمود.

کدام زن می‌توانست در نُه سالگی، هم کفّهی ترازوی معرفت و شخصیت حضرت علی علیه السلام گردد و بتواند در معاشرت و بحث و کلام با علی علیه السلام برابری کند؟! تا جایی که آن بزرگوار نیز قدر و منزلت فاطمه علیها السلام

را می دانست و به ایشان احترام خاص می گذاشت.
پس در طرز تفکر و دیانت و انسانیت، ایشان در سنین نوجوانی و جوانی توانست با همسری، چون علی (علیه السلام) برابری نماید.
کدام مادر می توانست یا می تواند فرزندانی؛ چون «حسنین» و زینب کبری (علیها السلام) تربیت نماید؟!

زمانی که حضرت علی (علیه السلام)، همسر مهربان خود فاطمه (علیها السلام) را از دست دادند، دیگر همدل و هم زبانی نیافتند که در حکم سنگ صبورش باشد و با او راز دل گوید. به ناچار، سر بر دهانه ی چاه نهاده و با چاه درد دل می گفت.
تاریخ گواه است، که هیچ زنی نتوانست جای خالی «صدیقه» را برای علی (علیه السلام) پر کند.

إِنَّمَا الْعَاشِقُونَ مَذْبُوحُونَ عِنْدَ بَابِ الْحَبِيبِ مَطْرُوحُونَ
یعنی؛ جز این نیست که عاشقان، قربانیان هستند و در راه دوست، افتادگانند. (۱)

کدام زن وجود دارد یا وجود داشت، که روزی سه بار، نور افشانی نماید؟! که این امر باعث اعجاب مسلمانان و دیگران شود!!
درباره ی وجود نازنین فاطمه سلام الله علیها اطالهی کلام شیرین است. اما قلم من؛ ناتوان و ملالت آور می باشد.

کرامات انسانی و شخصیت وجودی حضرتش را فقط خدا می داند و بس. آن را شایسته است که از دهان و لبان زیبا و مبارک پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) و صافی دل علی (علیه السلام)، شنید. آن حضرت بدون شک، هدفی مقدس از اهداف خلقت است....

انسان ها؛ به جهت سیر در کمالات، شایسته است که معلّم و الگو و سرمشق دهنده، داشته باشند تا به مقام و مرتبه ی انسانیت نزدیک شده،

یا به آن برسند. ایشان؛ اسوه‌ی زنان عالم هستی، عالم فانی و باقی هستند. خداوند توانا، اراده فرمودند که به زنان عالم، الگو دهند. تا دیگر زنان بدانند که؛ مقام دختر، همسر، مادر و بالأخره «زن» می‌تواند تا به کجا برسد!! حتی می‌تواند در یک فرد، همه‌ی این صفات جمع آید.

فاطمه علیها السلام؛ سمبل و گل سر سبد خلقت هستند. در طول عمر کوتاه خود، عارفی بودند که با تمام وجود در محراب، حضور می‌یافتند. در عبادت خدا، رعشه بر سراسر وجود ایشان مستولی می‌گشت.

امید است که همواره، دختران و زنان مسلمان ما، به جهت اصل خلقت خود، یعنی؛ رسیدن به جایگاه و مرتبه‌ی انسانیت، زندگانی خود را هدفمند و «زهرآگانه» کنند تا در درجه‌ی نخست، خود از زندگی لذت برده، عاقبت به خیر شوند. در ثانی؛ افراد خانواده‌ی خود را هدفمند، سعادت‌مند و مسلمان واقعی نمایند و بالأخره؛ همه‌ی اطرافیان خود را در راه سعادت و نیکبختی، سوق داده، آنان نیز خداگونه شوند.

وَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام:

«قَدْ بَصُرْتُمْ إِنْ أَبْصَرْتُكُمْ، وَقَدْ هَدَيْتُمْ إِنْ اهْتَدَيْتُمْ، وَأَسْمِعْتُكُمْ إِنْ اسْتَمَعْتُمْ».

و علی علیه السلام، فرمودند:

به شما بینایی داده‌اند، اگر چشم بگشایید و راه نموده‌اند، اگر راه بیابید و شنوایی بخشیده‌اند، اگر بشنوید.

❦❦❦

شرط مؤمن چیست؟ اندر خویشتن کافر شدن

شرط کافر چیست؟ اندر کفر، ایمان داشتن (۱)

مؤلف

سرآغاز

ای نام تو بهترین سرآغاز
بی نام تو نامه کی کنم باز^(۱)
قلم‌ها می‌لغزد و جوهر، بر صفحات کاغذ نقش پذیر می‌شود. نوشتند
و می‌نویند، از زشت و زیبا.
عده‌ای؛ جهت تلاش معاش و افرادی؛ به سعی معاش معاد. هریک به
نحوی و گونه‌ای. اما وظیفه ایجاب می‌کند که نوشتار مایه‌ی زندگانی باشد.
در نمازم، خم ابروی تو در یاد آمد
حالتی رفت که محراب به فریاد آمد

از من اکنون، طمع صبرودل و هوش مدار
کان تحمل که تو دیدی، همه بر باد آمد^(۲)
چه سعادتی که از اسوه‌ها و سمبل‌ها سخن به میان آید. آنان که
می‌توانند، کمال را نشان دهند و در وانفسای حیات تمدن امروزی،
رهگشای زیستن باشند و نیکی‌ها را از آنان آموخت و با تشبث به
دامن‌شان، عاجزانه راهنمایی خواست. اُمّه و اُطهار؛ برای خود زندگی
نکردند. بلکه، چون شمعی سوختند تا به بشریت، نور و روشنایی بخشند.
از جهان مادّی چشم پوشیدند تا به دیگران، معنویت بیاموزند. زندگانی
آنان، هرچند که بارها مرور شود، باز هم کم است. چون هربار که
تکرار شود، حلاوتی نودر بردارد. بسیار و بسیار نوشتند، اما همه به عجز
خود معترفند و اعتذار نمودند.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید^(۱)

میوه‌های شجره‌ی طیّبه، هریک طعم، مزه و حلاوت دیگری دارد که خاصّ وجود اقدسشان می‌باشد. در هیچ یک از آدمیان دیگر، به آن اندازه یافت نمی‌شود.

نیکو خصال و صبر امام حسن، مظلومیّت و ایستادگی امام حسین، زهد و عبادت زین العابدین، دانایی، آگاهی و دانش باقرالعلوم، صداقت و راستگویی امام جعفر صادق، فروبرنده‌ی خشم، امام کاظم خوشنودی و رضایت امام رضا به درگاه خداوند، بخشندگی امام جواد. رهبریّت، راهنمایی و هدایت امام هادی. سلحشوری، سپاهگیری امام عسکری و سرانجام؛ حجّت، دلیل و راهنمایی کننده‌ی مردم به سوی خدا حضرت مهدی (عج) و سرآغاز همه، حضرت علی علیه السلام که سمبل و اسوه و سرآمد همه‌ی مردان و مسلمین، تمام صفات خوب فرزندان خود را یکجا در بر دارد. صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمُ أَجْمَعِينَ.

شهامت، شجاعت، دلیری، تقوا، صبر، استقامت، سلحشوری، زهد، عبادت، عدالت، قناعت، گذشت، مردانگی و... چه گونه در یک وجود جمع آیند؟ مگر آن که شخص؛ علی اعلی و «امام الموحّدين» باشد. این تألیف؛ تَیْمَنًا و تَبَرُّکًا، به توسّل از درگاه پربرکت «شفیعه‌ی روز جزا» صورت پذیرفت. تا شاید نظر و لطفی، نه به قدرت قلم، بل به وسعت کرم، زان «دُرّةُ البیضاء».

به این حقیر، در محشر افکند و از صراط به صلات بگذریم و سلامت به در رویم.

نا امید از در رحمت به کجا شاید رفت

یا رب از هرچه خطا رفت، هزار استغفار^(۲)

این کتاب؛ در دو فصل و یک بخش انجام گرفت که در حقیقت، خلاصه‌الخلاصه در آن موارد است.

فصل اول:

در شرح و تفسیر سوره‌ی مبارکه‌ی «الکوثر» به باز تاب تراوشات فکر و ذهن آدمی.

کمی توان و کمی می‌تواند کلام خدا را تفسیر کند؟ مگر اندکی، آنان که ائمه و اطهارند و از مشرب فیض الهی بهره‌مند. تا چه رسد به افراد عادی. به هر حال، این کسب فیض است که خداوند بخشنده، از گناه و تقصیر درگذرد به لطف و رحمت الهی خود. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** تعالی در این فصل؛ سعی شد از معانی رایج در کتب و فرهنگ‌های معتبر استفاده شود و تقریباً، معانی مترادف نیز آورده شد. به جهت آشنایی بیشتر با واژگان سوره، صرف و نحو کلمات سوره، صورت گرفت تا از جنبه‌های مختلف، بررسی انجام گیرد.

شرح و تفسیر سوره، به طریق آیه به آیه و شرح کلمه به کلمه و نظرات پیشینیان، چاشنی بخش کلام شد.

پیام سوره؛ اشارات به «کوثر» و جنبه‌های گوناگون آن، بالأخص به حضرت فاطمه‌ی زهرا (ع) و استفاده از قرآن مجید و کتب معتبره انجام گرفت. هم چنین توجه به نماز و ستایش خداوند متعال و اقسام نماز به جهت کسب و حصول ذره‌ای از الطاف بی‌کران خداوند و اهمیت قربانی کردن در راه باری تعالی می‌باشد.

فضیلت سوره‌ی کوثر و معجزات آن و شأن نزول سوره، به مناسبت دخت پیامبر اکرم (ص) و مشکلات آن بزرگوار، رنج و آلام دوره‌ی حیات کوتاه آن سرور، نکات برجسته‌ای از این فصل را تشکیل می‌دهد.



فصل دوم:

مختصری از شرح زندگانی «عذراء»؛ تولّد، ازدواج، نام‌ها، القاب، کنیه‌ها و معانی آن کلمات، فرزندان بزرگوار ایشان، وصیت آن حضرت به همسر با وفای خود و شرح حدیث کساء، به اختصار و پاره‌ای از سخنان پیامبر گرامی ﷺ، در باره‌ی فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و احتجاج بر این که فرزندان حضرت زهرا، فرزندان رسول خدا محسوب می‌شوند و بالأخره، چگونگی وفات دخت پیامبر ﷺ، این فصل را شامل می‌شود. این فصل؛ مسلماً اندکی از بازتاب نور افشانی آن وجود مبارک در محراب عبادت، گناه و تقصیر آدمی را محو خواهد نمود. به لطف و کرم وجود نازنین آن بزرگوار، **إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى**.

کسی گوی دولت ز دنیا برد که با خود نصیبی به عقبی برد (۱)

فصل سوم:

اختصاص یافت به ابیات فارسی از چند شاعر پارسی زبان. به جهت تیمّن و تبرّک وازگان «کوثر» در مضامین و پیکره‌ی آن ابیات که این فصل پایانی، تا حسن ختام باشد برای این تألیف. نوشتیم؛ نه به حقّ مطلب، بل به حدّ غفلت که بی‌خبری هم عالمی دارد. ز عالم‌ها جداست.

این ره نه به پای هر گدای بیست در دست و زبان ما ثنائیت
نی، من کیم و ثنا کدامست؟ لا أُخْصِيْ أُنْبِيَاءَ تَمَامُست (۲)

«بایزید بسطامی، شبی از شام تا بام، سر به سجده داشت. مگر به دل او گذشت که این سجده، مقبول حضرت ربّ است. ندا آمد؛ که این سجده بایزید راست.

گفت:

پس آن چه مقبول پروردگار است، چیست؟
ندار سید که:

خزانه‌های ما از نماز و روزه، پُراست. آن چه در این درگاه شاید:

عجز و نیاز و خواری و شکستگی است.» (۱)

مقبول نیست طاعت مرکس، شکسته نیست

استاده را، ثواب نماز نشسته نیست (۲)

مؤلف